

گزارش مقدماتی گمانه‌زنی و لایه‌نگاری تپه زاغه سال ۱۳۸۰

دکتر حسن فاضلی نشلی *

استادیار گروه باستانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه تهران

چکیده

بیش از ۳۰ سال است که دانشگاه تهران دشت قزوین را برای انجام امور پژوهشی در زمینه باستان‌شناسی انتخاب نموده است. این پژوهش‌ها گرچه با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است ولی پژوهشگران دانشگاه تهران توانسته‌اند سهمی کوچک ولی بس مهم در شناسایی و معرفی فرهنگهای پیش از تاریخ منطقه داشته باشند. این توفیق نیز نصیب نگارنده شد که بتواند در سال ۱۳۸۰ تپه زاغه را مورد کاوش قرار دهد. اهداف عمده کاوش عبارت بودند از تخمین وسعت تپه زاغه و چگونگی افزایش جمعیت آن در طی زمان، ارائه تاریخ نسبی و مطلق از تحتانی‌ترین لایه‌ها تا پایان استقرار آن که خوشبختانه در این زمینه نتایج در خور توجهی حاصل شده است. در گزارش حاضر فقط به نتایج تاریخ‌گذاری نسبی آن اشاره شده است و امید است که در مقاله‌ای دیگر نتایج تاریخ‌گذاری مطلق آن نیز که اکنون در دسترس است بطور مستقل به چاپ برسد. مقاله حاضر به شرح اهداف، شیوه کاوش و توصیف مختصر لایه‌نگاری و یافته‌های کاوش تپه زاغه در سال ۱۳۸۰ پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: زاغه، لایه‌نگاری، گمانه‌زنی، کالکولیتیک، تخصص‌پذیری، بافت‌استقرار

* Email: hafazelin@ut.ac.ir

مقدمه

پژوهشهای باستان‌شناختی دانشگاه تهران در محوطه باستانی تپه زاغه درک جدیدی از تکامل حیات اجتماعی و اقتصادی جوامع پیش از تاریخ ایران را به تصویر کشید. ساکنان زاغه با اهلی کردن حیواناتی از قبیل گاو، گوسفند، بز و خوک (Mashkour et al 1999) و بهره‌وری از اقتصاد کشاورزی، انجام مراسم‌های آئینی و تجارت با مناطق دور دست زمینه‌های اولیه جامعه پیچیده را در هزاره پنجم قبل از میلاد در منطقه ای موسوم به شمال فلات مرکزی بنیان نهادند. برخورداری از یک چنین حیات اقتصادی سهم عمده‌ای در شکل‌گیری اولین هسته‌های جوامع رتبه‌ای در این بخش از ایران داشت (Fazeli 2001). داده‌های زاغه بیانگر بروز شکاف اجتماعی و اقتصادی و استفاده از کالاهای شانزا و منزلتی در یکی از قدیمی‌ترین استقرارهای پیش از تاریخ ایران می‌باشد. وجود خانه منقوش (و یا به عبارتی زیارتگاه زاغه) و توزیع مکانی قبور، نشانگر نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری نوع جدیدی از قدرت و کنترل حیات اقتصادی و اجتماعی توسط اقشار برگزیده در دوره انتقالی کالکولیتیک بوده است.

تاریخ کاوشهای باستان‌شناسی تپه زاغه به دو بخش قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. دکتر نگهبان برای اولین بار در سال ۱۳۵۱ در زاغه به تحقیق و کاوش پرداخت. تپه‌زاغه بعد از انقلاب اسلامی توسط استادان گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران به تناوب کاوش گردید. نگارنده بنابه دلایل آموزشی و پژوهشی که در ذیل به آن اشاره خواهد شد همراه با دانشجویان تپه‌زاغه را مجدداً مورد کاوش قرار داد. این کاوش از تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۰ آغاز و تا ۱۳۸۰/۸/۲۹ ادامه یافت. داده‌های باستان‌شناسی تپه‌زاغه سال ۱۳۸۰ اطلاعات تازه‌ای را در ارتباط ساختار اجتماعی - اقتصادی و همچنین تاریخ استقرار محل در اختیار ما قرار داده است که در این گزارش به برخی از نتایج آن اشاره شده است.

اهداف کاوشهای باستان‌شناسی تپه زاغه سال ۱۳۸۰

مطالعه گسترش ابعاد محوطه‌های پیش از تاریخ در فازهای مختلف نوسنگی و کالکولیتیک: یکی از موضوعات مهم باستان‌شناسی چگونگی افزایش جمعیت در

دوره‌های پیش از تاریخ و تاثیر آن بر بافت استقرار جوامع انسانی بوده است. در همین زمینه باستان شناسان تحقیقات گسترده‌ای را در حدود دهه هفتاد میلادی در خاورمیانه آغاز نمودند و به نتایج جالب توجهی دست یافتند. در این مطالعات باستان‌شناسان جابجایی و توزیع جمعیت جوامع انسانی، روابط درون و بین استقراری و سلسله مراتبی محوطه‌ها را در دو مقوله زمانی و مکانی مورد مطالعه قرار دادند، حال آنکه هنوز این پژوهش‌ها در باستان شناسی منطقه موسوم به فلات مرکزی جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.

در حال حاضر هیچ‌گونه گزارش مستدل و جامعی از استقرارهای دوره اولیه نوسنگی در جبهه البرز جنوبی در دست نیست و منشاء فرهنگها بیشتر از حدس و گمان فراتر نمی‌رود. استقرارهای معرفی شده دوره نوسنگی جدید شامل محوطه‌هایی همانند: چشمه‌علی و صادق‌آبادی در جنوب تهران، ازبکی در منطقه هشتگرد کرج، سیلک کاشان و احتمالاً تعداد معدودی استقرار در منطقه شاهرود می‌باشد. حدود و ثغور، وسعت و میزان جمعیت این استقرارها مشخص نیست و این محوطه‌ها در زیر لایه‌های دوره‌های جدیدتر قرار گرفته‌اند. بنابراین یکی از اهداف پژوهشی کاوش سال ۱۳۸۰ در زاغه بر تخمین وسعت آن در لایه‌های تحتانی و فرآیند افزایش جمعیت آن در بستر زمان متمرکز گردید. بعبارتی وسعت روستای زاغه در اولین لایه‌های آن چقدر بوده است و با گذشت زمان و به‌مراه رشد اقتصادی - اجتماعی روستای زاغه تا چه میزان گسترش پیدا کرده بود. داده‌های باستان‌شناختی در استقرارهای دشت تهران و دیگر محوطه‌های شمال فلات مرکزی بیانگر این است که وسعت استقرارهای دوره انتفالی کالکولیتیک (دوره سیلک II و یا دوره چشمه‌علی) در حدود ۳ الی ۴ هکتار می‌باشد. ولی همه این داده‌ها تقریباً نسبی است. لذا لازم بود تا محوطه‌ای با کاوش‌های عمودی روند افزایش جمعیت و گسترش وسعت آن بطور دقیق‌تری مورد مطالعه قرار بگیرد.

مطالعه شکل‌گیری حرفه‌های تخصصی: تخصص‌پذیری بعنوان یکی از شاخصهای مهم جهت شکل‌گیری جوامع سلسه مراتبی به حساب می‌آید، به این صورت که همراه با پیچیده‌تر شدن جوامع در بعد اقتصادی و اجتماعی، تحول اساسی در بافت استقرار و

سازمان سیاسی ایجاد شده بود. عبارتی دریک جامعه ساده فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در تمامی روستا پخش بوده و هر خانواری سعی می‌کرد با تهیه مایحتاج خود از نظر اقتصادی خودکفا باشد. حال آنکه با ظهور تخصص در جامعه و تولید کالا توسط افراد متخصص عملکرد مناطق مسکونی تغییر یافته به صورتی که تولیدات کالا در منطقه‌ای بنام محله صنعتی سازمان‌دهی شده بود. در جامعه‌ای با ساختار قبیله‌ای فعالیت‌های اقتصادی در داخل محوطه‌های مسکونی صورت می‌گرفت و همزمان بارشد پیچیدگی اجتماعی فعالیتهای صنعتی یا بصورت کامل و یا بخشی از این فعالیتها در خارج از مناطق مسکونی سازمان یافته بود. نگارنده در سال‌های اخیر مطالعاتی را در باره فرایند تولید تخصصی کالا را در فازهای مختلف دوره نوسنگی و کالکولیتیک دشت تهران و قزوین آغاز نموده‌است (Fazeli 2001). داده‌های باستان شناختی از تولیدات صنایع مربوط به دوره‌های نوسنگی و اوایل دوره کالکولیتیک بیشتر مبتنی بر شواهد غیر مستقیم یعنی کالای تمام شده مانند سفال و یا ابزارهای سنگی بوده است. منظور از شواهد مستقیم تولید کالا این است که در محل یا محل‌هایی لوازم تولید ابزار همانند قالب، ابزارهای تولید، کوره‌های سفالگری و کارگاه‌هایی که فعالیتهای صنعتی در آن صورت میگرفت شناسایی شود. لذا کاوشهای باستان شناسی زاغه بر حول و محور بدست آمدن شواهدی متقن و قوی تری از فعالیتهای اقتصادی گروههای انسانی ساکن در محل استوار گردید تا بتوان سازمان کار، مقیاس و روش تولید کار و ابزارها را بر اساس شواهد مستقیم تبیین نمود.

روش

تپه زاغه در منطقه بوئین زهرا، بخش جنوبی دشت قزوین و در حدود ۱۴۰ کیلومتری غرب تهران و تقریباً ۶۰ کیلومتری جنوب قزوین و ۸ کیلومتری شمال شرق دهستان سگزآباد به خط مستقیم واقع شده‌است. از منظر ظاهری تپه زاغه برجستگی مدور کوچک و کم ارتفاعی است. قبل از حفاریهای سال جاری تپه زاغه دوبار مورد لایه نگاری قرار گرفت. در تابستان سال ۱۳۴۹ آقای دکتر نگهبان سرپرست وقت هیأت بررسی و حفاری دشت قزوین در یک گمانه پیشرو به ابعاد ۱×۱ متر به لایه‌نگاری تپه

زاغه پرداخت که در لایه‌های عمیق‌تر از وسعت آن کاسته می‌شد بطوریکه آثار مربوط به دو متر آخر لایه‌های باستانی، به ابعاد ۲۵×۲۵ سانتیمتر حفر گردید. ظاهراً حفاری لایه‌های تحتانی تپه زاغه یعنی از عمق ۵ متری به بعد با کمک کارگر خردسالی انجام گرفت و این کودک خردسال با بالا دادن خاک به حفار کمک نمود تا به لایه‌نگاری قسمتهای تحتانی بپردازد. بدین وسیله حفار توانست ۱۷ لایه باستانی را شناسایی نماید. مرحله دوم لایه‌نگاری تپه زاغه با ایجاد ترانشه‌ای به ابعاد ۲×۲ در مجاورت گمانه قبلی توسط دکتر ملک انجام گرفت (ملک، ۱۳۷۹، ۳۲۳). دکتر ملک با ترکیبی از اطلاعات سایر ترانشه‌ها و لایه‌های افقی، ۱۲ طبقه استقرار را برای تپه زاغه پیشنهاد نمود که در برگیرنده دو دوره استقرار معروف به دوره زاغه و دوره چشمه علی می‌باشد. دوره استقراری زاغه (دوره نوسنگی) شامل طبقات XII تا IX و دوره چشمه علی (دوره کالکولیتیک) VIII تا I می‌باشد.

تپه زاغه در طول چند سال اخیر بارها توسط قاچاقچیان مورد کاوش های غیر مجاز قرار گرفت، بطوریکه بر روی سطح تپه گودالهای زیادی ایجاد شده است. در آخرین بازدید که نگارنده در پائیز سال ۱۳۸۲ از تپه زاغه داشته است، نه تنها جنوب تپه جائیکه کارگاههای سفالگری در آن واقع است مورد تجاوز قرار گرفته بلکه تیرهای چراغ برق منطقه نیز از وسط آن گذشته است. هیئت کاوش سال ۱۳۸۰ به جهت ارزیابی و شناسایی قدیمی ترین لایه‌های استقراری در تپه زاغه در مجموع هفت ترانشه را در بخشهای جنوب، شرق و شمال تپه ایجاد نمود (نقشه شماره ۱). در روش کاوش از شیوه پیشنهادی هاریس ماتریکس که بر بافت و محتوای (کانتکست) لایه‌ها تاکید دارد استفاده شد. ترانشه‌های کاوش شده عبارتند از:

ترانشه های C: نخست ۳ ترانشه به ابعاد ۲×۲ متر به نامهای ترانشه C1 و C2 و C3 در بخش شمالی تپه ایجاد شد. ترانشه C1 در نزدیکی قناتهای واقع در شمال تپه ایجاد شد و تا عمق ۱/۵ متر از سطح ترانشه خاکبرداری گردید که فقط به گل رسوبی طبیعی برخورد شد. لذا ترانشه دیگری و در فاصله بیست متر به طرف مرکز تپه بنام C2 و با ابعاد ۲×۲ ایجاد شد و در این ترانشه نیز لایه های باستانی بدست نیامد. برای حصول

اطمینان از وجود لایه‌های باستانی در حدود ۲/۵ متر از ترانشه خاکبرداری شد ولی بعلت بدست نیامدن لایه‌های باستانی کار کاوش متوقف گردید. در این ترانشه قطعاتی از سفال بدست آمد که بنظر می‌رسد در نتیجه نفوذ سفالها و شستشوی خاک بوده است. در نتیجه ترانشه دیگری به طرف مرکز تپه و به فاصله ۳۵ متری دورتر از ترانشه C2، ترانشه ای بنام C3 در بخش شمالی باز شد (تصویر شماره ۲). لایه‌های باستانی ترانشه C3 نشانگر حد اکثر گسترش روستا در بخش شمالی تپه می‌باشد. سطح ترانشه که تقریباً دارای شیب ملایم می‌باشد بوسیله ۶۰ الی ۷۰ سانتیمتر خاک دستی پر شده بود. ابعاد ترانشه C3 ۲x۲ متر می‌باشد. در عمق ۲/۲۰ به یک مورد اسکلت انسان برخورد گردید که فقط مجموعه اسکلت در داخل ترانشه قرار داشت. لذا جهت حفظ اسکلت ابعاد ترانشه در حدود نیم متر کوچکتر گردید تا هیچ گونه کاوشی روی اسکلت انجام نگیرد. از عمق ۲/۲۰ کاوش با ابعاد ۲x۱/۵ تا خاک بکر یعنی عمق ۴/۲۰ ادامه یافت. دومین اسکلت نیز در عمق یک متری روی خاک بکر شناسایی شد. این اسکلت متعلق به اولین ساکنان زاغه می‌باشد که بر روی خاک بکر دفن شده بود. لذا این اسکلت نیز مورد کاوش قرار نگرفت. در ترانشه C3 ۲۵ کانتکست (لایه محتوایی) شناسایی شد که شامل ۳ دوره معماری و ۱۶ لایه باستانی می‌باشد.

ترانشه A: ترانشه دیگری در جهت شرقی - غربی به ابعاد ۲x۵ متر در سمت غرب سوله مورد کاوش قرارگرفت که بنام ترانشه A نام گذاری گردید. بخشی از این ترانشه در محوطه ای قرار داشت که چند سال قبل توسط قاچاقچیان حفر گردید و این امر بما امکان داد تا به کنترل بهتر لایه‌ها بپردازیم. ابعاد گودال حفر شده ۲۵۰x۱۷۰ سانتی متر و عمق آن ۲۲۰ سانتیمتر بوده است. همچنین گودال قاچاق دیگری و در خارج ترانشه در ضلع شرقی درون ترانشه به ابعاد ۱۹۰x۱۰۶ سانتیمتر و عمق ۱۸۰ سانتی متر توسط قاچاقچیان حفر شده بود. عمق لایه‌های باستانی ترانشه A از بالاترین قسمت ترانشه حدود ۴/۵ متر می‌باشد. ابعاد حفاری شده بصورت زیر است: کاوش تا عمق ۶۰ سانتیمتر از بالاترین سطح ترانشه با ابعاد ۵x۲ ادامه یافت. از عمق ۶۰ سانتی ابعاد ترانشه کوچکتر گردید و تا عمق ۱ متری بصورت ۲x۲/۵ متر ادامه یافت و سپس تا

خاک بکر یعنی تا عمق ۴/۵ متر ابعاد ترانشه بصورت ۲x۲ ادامه یافت. در ترانشه A ۲۷ کانتکست و یا عبارتی لایه محتوایی شناسایی شد که شامل دیوار، تدفین اجاق و لایه‌های باستانی بوده است.

در ترانشه A در گوشه جنوب شرقی به سمت سوله و عمق ۴ سانتیمتر در کنار گودال قاچاقچیان مجموعه‌ای یافت شد. بخش اصلی اسکلت در اثر حفاری قاچاق از بین رفت و فقط مجموعه و بخشی از گردن و دنده‌های جناب سینه باقی مانده است. در جهت شرقی مجموعه در فاصله ۱۵ سانتیمتری در جلوی گردن آن درفش استخوانی به طول ۶/۷ سانتیمتر و درفش دیگری در پشت سر اسکلت در فاصله ۵۰ سانتیمتری و در عمق ۱۷ سانتیمتری بدست آمد که طول آن ۸ سانتی متر می‌باشد. یک قطعه خشت پخته به رنگ قرمز در عمق ۶ سانتیمتری و فاصله ۱۲ سانتیمتری اسکلت بدست آمد. این خشت به ابعاد ۱۰x۱۵ سانتیمتر می‌باشد. این اسکلت حالت آسیب دیده و مضطرب داشته، جهت سر به سمت جنوب شرقی است و به پهلوی راست خوابیده در حالیکه دستهای روی صورت جمع شده است. اسکلت با گل آخری اندود گردیده و احتمالاً مربوط به نوجوانی با سنی حدود ۱۳ سال و جنسیت مؤنث می‌باشد. در عمق ۵ سانتیمتری در پشت سر مجموعه یک تکه سفال (لبه) به رنگ نخودی و از جنس خشن که آمیزه آن گاه است بدست آمد. البته به علت تخریب شدید لایه‌های فوقانی ممکن است اشیاء در کنار اسکلت جا به جا شده و به طور عمد در کنار اسکلت قرار نگرفته باشد. در اطراف اسکلت به فاصله ۲ سانتیمتری به خاک بسیار نرم برخورد شد که در آن قطعات سفال، توده سفیدرنگ، زغال و تکه‌های استخوان به صورت پراکنده وجود داشت که ۴ نمونه زغال از عمق‌های مختلف برداشته شد. این اسکلت در کنار توده خاکستر و در کنار زباله‌دانی دفن شده بود. در زیر اسکلت در عمق ۱۴ سانتیمتری، گل حرارت دیده‌ای یافت شد که احتمالاً آوار دیوار خشتی بوده و این اسکلت بر روی آوار دیوار دفن شده است. بخشی از ستون فقرات و پاهای اسکلت در اثر حفاری قاچاق از بین رفته بود.

ترانشه E: جهت مطالعه لایه های باستانی بخش شرقی تپه دو ترانشه به فاصله بیست متر نسبت بهم ایجاد شد که بنام ترانشه D و E نام گذاری شد. ابعاد ترانشه E ۲x۲

بوده است که کاوش در آن تا خاک بکر بدون هیچ گونه تغییری ادامه یافت. عمق ترانشه E نسبت به سطح ترانشه ۴/۶۰ متر می‌باشد. در ترانشه E اسکلت نوزادی که در داخل کف کوره دفن شده بود بدست آمد. به همراه این فرد خردسال هیچ‌گونه شیئی بدست نیامد. در ترانشه E ۲۷ لایه محتوایی (کانتکست) شناسایی شد که شامل ۲۵ لایه، یک نمونه کوره و یک عدد اسکلت نوزاد بوده است. لایه‌های بخش‌های فوقانی دارای شیب مورب از شرق به غرب می‌باشند. این شیب از عمق ۳ متر به بعد تقریباً بصورت افقی در می‌آید.

ترانشه D: ترانشه D در فاصله ۲۰ متری غرب ترانشه E بطرف مرکز تپه ایجاد شد. ابعاد این ترانشه ۲×۲ بوده است که ابعاد آن تا خاک بکر بدون هیچ تغییری تا عمق خاک بکر یعنی ۵/۲۰ متر ادامه یافت. در این ترانشه ۲۶ کانتکست شناسایی شد که شامل دیوار و لایه‌های باستانی می‌باشد.

ترانشه K: ترانشه دیگری در جنوب زاغه بنام ترانشه K مورد کاوش قرار گرفت. حد فاصل بین ترانشه K و خانه منقوش دارای تورفتگی است که قبل از انقلاب اسلامی کاوش گردیده بود، بطوریکه امروزه در بخشهایی از آن چاله‌ای به عمق دو متر ایجاد شده است. زاویه شمالی ترانشه K درست در شیب ۹۰ درجه قرار گرفته بطوریکه این تورفتگی برای کنترل لایه‌ها بسیار مفید می‌باشد. سطح ترانشه بوسیله ۷۰ سانتیمتر خاک طبیعی بسیار سفت پوشانده شده است. بعد از این عمق هیئت حفاری به توده عظیمی از خاکستر نرم برخورد نمود که جهت آن در همه ابعاد به خارج از ترانشه امتداد داشت. این حجم زیاد از خاکستر که تقریباً تا خاک بکر ادامه داشت این نظریه را تقویت می‌کند که لایه‌های تحتانی محل دارای هیچ ساخت‌وساز مسکونی نبوده و محل انحصاراً برای فعالیت‌های مرتبط با سفالگری انتخاب شده بود که تا زمان ترک محل مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین بعلت نرمی بیش از حد خاک ترانشه امکان شناسایی و تفکیک لایه‌ها بسیار مشکل بوده و ریشه‌های گیاهان در سراسر لایه نفوذ پیدا کرده بود. در برخی از موارد بعلت پوسیدن ریشه‌ها و رویش مجدد آنها سوراخ‌های متعددی در داخل لایه‌ها بوجود آمده بطوریکه باعث مخلوط شدن لایه‌های باستانی با لایه‌های رسوبی

شده است.

ترانشه K با ابعاد 4×3 در بخش جنوبی تپه ایجاد شد و پس از برخورد به اولین بقایای کوره در عمق ۶۰ سانتی متری ابعاد ترانشه کوچکتر شد و کاوش با ابعاد 2×2 تا خاک بکر ادامه یافت. عمق ترانشه K در حدود $6/5$ متر می‌باشد. در ضمن برای حصول اطمینان در رسیدن به خاک بکر حدود یک و نیم تا دو متر از لایه های خاک بکر کاوش شد. در ترانشه ۲۷K کانتکتشناسایی شد که شامل بقایایی از ۳ کوره تخریب شده و بقیه در برگرفته لایه های خاکستر بوده است.

نتیجه گیری:

وسعت تپه زاغه و اهمیت ترانشه K: همانطور که در مقدمه آمده یکی از اهداف حفاریهای سال جاری تخمین وسعت روستای پیش از تاریخ زاغه در فازهای مختلف نوسنگی و کالکولیتیک بوده است. ترانشه K احتمالاً بخش حد نهایی جنوب روستای زاغه را تشکیل می‌دهد. سراسر این ترانشه و تمامی لایه‌های آن فقط در برگرفته و سازه‌های مربوط به کوره‌ها می‌باشد. در داخل لایه‌های خاکستر تعداد فراوانی ادوات مربوط به ساخت ابزار بدست آمد که نشان می‌دهد که این بخش از روستا محل و یا گارگاهی برای تولید بعضی از ادوات بوده است. بنظر می‌رسد که این حجم عظیم از خاکستر و تعداد متعدد کوره از لایه‌های مختلف، نشانگر این است که این محل ضرورتاً بایستی در جایی قرار می‌گرفت که روستا را از احتمال آتش سوزی مصون می‌داشت. در نتیجه به احتمال زیاد طول شمالی و جنوبی تپه حدوداً ۲۱۰ متر می‌باشد. اما دو ترانشه‌ای که در بخش غربی و شمال شرقی تپه ایجاد شد از بعد شناسایی حداکثر وسعت روستا در بخش شرقی - غربی زیاد نتیجه بخش نبوده است. اول اینکه دو ترانشه شرقی E و D دارای بیشترین لایه‌های باستانی یعنی حدود ۶ متر آثار باستانی می‌باشد و بنظر می‌رسد آخرین حدود استقرار بخش شرقی روستا بایستی در بخش مزارع امروزی امتداد داشته باشد. لذا ضروری است تا در بخشهای شرقی تپه ترانشه‌هایی در آینده ایجاد شود تا حدود و ثغور روستا مشخص گردد.

مطالعه نوع کوره‌های سفالگری ایران پیش از تاریخ از انگلستان یک دست نیز تجاوز نمی‌کند ولی همین اطلاعات در بسیاری از زمینه‌ها بسیار ارزشمند می‌باشند (Majidzadeh 1975-1977, Alizadeh 1985). شواهد باستان‌شناسی در استفاده از کوره‌های سفالگری که توسط مجیدزاده و علیزاده منتشر شده حد فاصل ۴۷۰۰ الی ۳۰۰۰ ق.م را در بر می‌گیرد؛ دوره‌ای که تولید سفال بصورت کاملاً تخصصی درآمده بود. قدیمی‌ترین شواهد تولید سفال در خاورمیانه مربوط به دوره حسونه در شمال بین‌النهرین است. در یاریم تپه I طبقه X مربوط به دوره آرکانیک حسونه کوره سفالگری با محفظه رو به بالا دو اتاقه بدست آمد (Streicy. 2001). یافته‌های ترانسه K بنا به دلایل زیر از ارزش خاصی در ارتباط با فن سفالگری و شناخت دیگر حرفه‌های زاغه در دوره انتقالی کالکولیتیک برخوردار باشد:

- ۱- از نظر زمانی کوره‌های سفالگری زاغه متعلق به ۵۳۰۰ ق.م می‌باشند.
- ۲- شواهد مستقیمی از فعالیتهای کارگاهی در محل شناسایی شد که ارتباط مستقیمی با کوره‌های سفالگری داشت. در واقع نه تنها این بخش از روستا برای پخت سفال استفاده می‌شد، بلکه ابزارهای دیگری که برای ساخت آنها به حرارت و گل نیاز بود در این محل ساخته می‌شدند. این اشیا عبارتند از: ساخت پیکرک و دوک نخریسی، حرارت سنگ مادر برای تولید ابزار سنگی و دیسک‌های مدور سفال که عملکرد آن دقیقاً معلوم نیست.
- ۳- بدست آمدن شواهد متعددی از فعالیت تولید سفال همانند چانه گل آماده برای ساخت سفال، جوش کوره به مقدار فراوان، سفالهای دفرمه شده در نتیجه حرارت، ظروف شکسته رنگرزی (بعبارتی لعاب دهی) و ظرفهای سنگی که برای پودر کردن استفاده می‌شده و در نهایت ابزارهایی که برای صیقل سطح سفال استفاده می‌شد.
- ۴- این نوع از فعالیت در دورترین بخش روستا و در خارج از منطقه مسکونی سامان‌دهی می‌شد. در واقع این منطقه گویای فعالیتهای صنعتی بصورت کارگاههای متمرکز در یک بخش از روستا بوده است. این شواهد نشانگر این است که بخشی از فعالیتهای زاغه بصورت متمرکز بوده و برخی نیز بصورت خانه داری و یا در داخل

محوطه های مسکونی سازماندهی شده بود.

گاهنگاری تپه زاغه: بدون تردید ارائه گاهنگاری یکی از مهمترین مشخصه‌های مطالعات باستان شناختی تپه زاغه را در برمی‌گیرد (نگهبان ۱۳۷۶، ملک ۱۳۷۹). تا بحال آقایان دکتر نگهبان، دکتر ملک و خانم دکتر مشکور نتایج پژوهش‌هایشان را در ارتباط با تاریخ استقرار زاغه منتشر کرده اند. دکتر نگهبان در سال ۱۳۷۶ کتابی را تحت عنوان «مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران» که بیشتر حاوی خاطرات شخصی وی در ارتباط با پژوهش‌های باستان شناسی و همچنین مدیریت وی در دانشگاه تهران و ادارات باستان شناسی وقت بوده است را به چاپ رساند. وی در بخش پایانی این کتاب به معرفی محوطه‌های باستانی و ادوار فرهنگی پیش از تاریخ ایران پرداخت و آنرا به صورت زیر تقسیم بندی کرد که عبارتند از:

۱. استقرارهای اجتماعات اولیه در ایران
۲. تمدنهای قبل از تمدن سیلک
۳. تمدن سیلک
۴. تمدن چشمه علی
۵. تمدن حصار
۶. دوران شهرنشینی
۷. دوران آغاز خط و ادبیات
۸. دوران آغاز تاریخی (همان ۳۵۰)

نگهبان در مطالعات خود دوره استقراری زاغه را به اجتماعات قبل از سیلک قرار داده و معتقد است که تاریخ استقرار زاغه به هزاره هشتم قبل از میلاد برمی‌گردد (همان ۳۴۸). وی معتقد است که استقرارهای سه گانه زاغه، قبرستان و سگرآباد بعنوان مفتاح و یا راهنمایی برای تعیین هویت آثار باستانی قسمت نواحی مرکزی ایران می باشد. در این راهبرد دشت قزوین به عنوان منطقه ای نگریسته شد که بعنوان چهار راهی تمدنهای شرق و غرب دنیای باستان و همچنین حوزه بحر خزر و فلات ایران را بهم متصل و مرتبط مینموده است. نکته دیگری که نگهبان به آن اشاره دارد تاکید بر درستی

تقسیم بندی پروفیسور مک کان در ارتباط با گاهنگاری فلات مرکزی است.

در جدول گاهنگاری ملک زاغه دوره‌ای بین ۸۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال قبل از زمان حاضر یعنی یک دوره استقراری ۱۵۰۰ ساله را در برمی‌گیرد (ملک ۱۳۷۹، ۱۶۹). وی معتقد است که کاوشهای سه گانه تپه های زاغه، قبرستان و سگزآباد میتواند نقطه عطفی در بازنگری گاهنگاری فلات مرکزی بحساب آید و می‌گوید: در آن زمان در ادبیات باستان شناسی پیش از تاریخ ایران از آثار بدست آمده از تپه شمالی سیلک کاشان به عنوان محلی نامبرده می‌شد که کهن‌ترین آثار دوره استقراری در روستاها در فلات مرکزی ایران از آن بدست آمده است. با انجام کاوشها و بررسی‌هایی که دانشگاه تهران در دشت قزوین انجام داد بطلان این نظریه باثبات رسید. در تپه زاغه در دشت قزوین مجموعه‌ای از آثار فرهنگی بدست آمد که قدمت آنها نسبت به مجموعه آثار بدست آمده از تپه شمالی سیلک به مراتب بیشتر بود (همان ۱۵۹).

مطالعات خانم دکتر مشکور (Mashkour et al 1999) در ارتباط با گاهنگاری تپه‌های زاغه، قبرستان و سگزآباد بسیار مهم و قابل تأمل می‌باشد. وی با استفاده از شواهد بیولوژیکی زاغه، قبرستان و سگزآباد را تاریخ گذاری کرد. تاریخ‌گذاری مطلق خانم مشکور از آن جهت مهم است که هیچکدام از نمونه‌های آزمایش شده دوره استقراری هزاره ششم را نشان نمی‌دهند و تمامی نمونه‌ها متعلق به نیمه اول هزاره پنجم می‌باشد (جدول شماره ۱).

همانطور که در ابتدای این گزارش به آن اشاره شد هیئت حفاری سال ۱۳۸۰ تپه زاغه به جهت شناسایی لایه‌های باستانی دوره نوسنگی تپه زاغه و چگونگی بسط و گسترش روستا در دوره‌های مختلف ۸ ترانسه در بخشهای مختلف تپه ایجاد شد که ۵ ترانسه دارای لایه‌های باستانی بوده و بقیه ترانسه‌ها فاقد مواد فرهنگی بوده‌اند. از میان ترانسه‌های فوق نزدیک به ۸۰۰۰ سفال شکسته شناسایی شد. جدول شماره ۲ تنوع و پراکنش چهار نوع مختلف سفال را در پنج ترانسه نشان می‌دهد. این جدول همچنین فراوانی سفالینه‌ها را نشان می‌دهد که در این میان پراکندگی سفالها و بخصوص سفال قرمز رنگ چشمه علی در هر ترانسه بسیار کم و متغیر می‌باشد. انواع سفالینه‌هایی که در این ترانسه‌ها بدست آمد همانهایی هستند که قبلا توسط دکتر ملک گزارش شده بود

(ملک، ۱۳۷۸، ۳۲۷-۳۳۰). این سفالینه‌ها عبارتند از:

۱. سفالهای ساده نوع زاغه
۲. سفالهای نوع تگرگی زاغه (یا استاندارد زاغه)
۳. سفال نوع منقوش زاغه
۴. سفالهای نوع چشمه علی

در گزارش دکتر ملک سفالهای شماره ۱ الی ۳ در تمامی لایه‌های زاغه شاسایی شده‌اند یعنی از قدیمی‌ترین طبقات استقراری (I-XII) تا لایه‌های فوقانی سفالهای ساده نوع زاغه، نوع تگرگی زاغه و نوع منقوش زاغه بدست آمد در حالی که سفال نوع چشمه علی در چهار لایه تحتانی شناسایی نشد.

در حفاری سال ۱۳۸۰ هر چهار نوع سفال در تمامی ترانسه‌ها از تحتانی‌ترین لایه تا لایه‌های فوقانی بدست آمد ولی توزیع این نوع سفالینه‌ها و بخصوص سفال قرمز رنگ چشمه علی بسیار متغیر می‌باشد. توزیع سفال قرمز هم بین ترانسه‌ها و هم در درون ترانسه‌ها بسیار ناهمگون و نامتقارن می‌باشد. بطور کلی کمتر از ۱۰۰۰ نمونه از مجموع سفالها مربوط به نوع چشمه‌علی است که فقط ۱۳٪ آنرا تشکیل می‌دهد و بقیه ۸۷٪ سفالها مربوط به انواع محلی آن می‌باشند. گونه‌های محلی آن (نوع زاغه و تگرگی) تا بحال فقط در دشت قزوین شناسایی شده‌اند. اولین نتیجه‌ای که از حفاری سال ۱۳۸۰ حاصل می‌شود این است که از نظر گاهنگاری تپه زاغه فقط یک دوره استقراری یعنی دوره انتقالی کالکولیتیک (دوره چشمه علی و یا سیلک II) را در برمی‌گیرد. نتیجه اینکه هیچ نوع زوال و یا پیدایش گونه‌های جدیدی در بین سفالهای زاغه وجود ندارد و به عبارتی ظهور گونه‌ای از سفال جدید همراه با زوال گونه قدیمی‌تر آن نبوده است. نکته‌ای که در بسیاری از محوطه‌های پیش از تاریخ خاورمیانه روی داده بود. بسیاری از باستان شناسان تغییر در مواد فرهنگی از لایه‌ای به لایه‌ای دیگر را بعنوان ظهور و سقوط فرهنگها تعبیر می‌نمایند.

بر اساس کاوشهای باستان شناسی زاغه سال ۱۳۸۰ دوره استقراری زاغه تا حدودی متفاوت از آنچه که قبلاً پیشنهاد شده بود. بنظر نگارنده دلیل اصلی چنین برآوردی

توزیع بسیار ناهمگون سفال قرمز رنگ چشمه علی در زاغه میباشد. به واقع مبنا و محور اصلی تاریخ گذاری نسبی زاغه در گذشته مبتنی بر ظهور سفال قرمز رنگ نوع چشمه علی در بین لایه های باستانی آن بوده است. حال با توجه به اینکه در تمامی لایه های تحتانی ترانشه های سال ۱۳۸۰ (ولو با تعداد بسیار کم) سفال نوع چشمه علی بدست آمد می توان اینطور نتیجه گرفت که تمامی چهارنوع سفالهای زاغه دارای مشخصه دوره کالکولیتیک می باشند. بنظر نگارنده سفال نوع چشمه علی در زاغه نمی تواند بعنوان معیار اصلی تاریخ گذاری تپه زاغه محسوب شود. جدول شماره ۳ الی ۷ توزیع سفالینه را در بین لایه های هفت ترانشه نشان می دهد. اطلاعات این جداول بخوبی بیانگر این است که تاچه حد توزیع سفالهای نوع چشمه علی در لایه ها ناهمگون می باشند. داده های زاغه از منظر دیگری نیز بسیار مهم است، بطوریکه می توان در تئوری دونالد مک کان تجدید نظر نمود. دونالد مک کان (McCown 1942) در مقالات خود به طرح تئوری منطقه تحت نفوذ سفال قرمز رنگ برای معرفی فرهنگهای پیش از تاریخ فلات مرکزی استفاده کرد.

در تشریح دیدگاه فوق ضروری است تا نگاه اجمالی به ترکیب سفالهای تپه سیلک داشته باشیم. از گزارش رومن گیرشمن اینطور استنباط می شود که بعد از سیلک I رنگ، نقش، فرم و تکنولوژی سفال در دوره سیلک II بطور کامل عوض میشوند. به این صورت که به جای سفالهای سیلک I که به رنگ روشن با نقش سیاه، سفال قرمز تک رنگ و منقوش، سفال سیاه تک رنگ و سفال متداول بدون نقش (گیرشمن ۱۳۷۹، ۲۴)، سفالهای ظریف قرمز رنگ ظهور پیدا می کنند. در تپه چشمه علی نیز یک چنین فرآیندی در تغییر نوع نقش، رنگ، فرم و تکنولوژی سفال قابل مشاهده است (Fazeli 2001).

حال آنکه داده های باستان شناختی تپه زاغه تئوری شکل گیری یکسان، ساده و یک شکل فرهنگی را فلات مرکزی را رد نموده و نشانگر این است که علی رغم شرایط جغرافیایی یکسان فرهنگهای متفاوتی در درون شمال فلات مرکزی از درون شکل گرفته، رشد یافته و وارد دوره های جدیدتر شده اند. قطعاً تماس های درون منطقه ای نقش مهمی در بر هم کنش ها داشته است.

فهرست منابع:

- ۱- گیرشمن؛ رومن، ۱۳۷۹، *سیلک کاشان*، جلد اول، ترجمه اصغر کریمی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۲- ملک شه میرزادی؛ صادق، ۱۳۷۸، *ایران در پیش از تاریخ*، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۳- ملک شه میرزادی؛ صادق، ۱۳۷۹، *آق تپه*، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۴- نگهبان؛ عزت الله، ۱۳۷۶، *مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران*، سازمان میراث فرهنگی.
- 5- Alizadeh, A; 1985, A Protoliterature kiln from Chogha Mish, Iran, 23, pp. 39-50.
- 6- Delcroix; G, et Hout, J.L, 1972, Les fours dits "de potiers" dans l' Orient Ancien, Syria, 49, pp. 35-95.
- 7- Fazeli, N. H; 2001, An Investigation of Craft Specialisation and Cultural Complexity of the Late Neolithic and Chalcolithic Periods in the Tehran Plain, PhD Dissertation, University of Bradford.
- 8- Fazeli, N, H; and M, Djamali, 2003, Specialized ceramic production at Zagheh based upon the archaeological evidences and petrography studies, in Masoud Azarnoush ed; *The Role of Sciences in Archaeology*, Cultural Heritage Organization Press, 203-224
- 9- Majidzadeh, Y; 1975-7, The Development of the Pottery Kiln in Iran from Prehistory to Historic period, *Paléorient*, 3: 207-221.
- 10- Malek S; 1977, *Tepe Zagheh: A Sixth Millennium B.C. Village in the Qazvin Plain of the Central Iranian Plateau*. Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.
- 11- Mashkour, M; Fontugne and C. Hatte, 1999, Investigations on the Evolution of Subsistence Economy in the Qazvin Plain (Iran) from the Neolithic to the Bronze Age, *Antiquity*, 73: 65-76.
- 12- McCown, D. E; 1942a, The Material Culture of Iran, *Journal of Near Eastern Studies*, 1: 424-44
- 13- McCown, D. E; 1942b, *The Comparative Stratigraphy of Early Iran*, Oriental Institute of t University of Chicago, *Studies in Ancient Civilizations*, 23, Chicago, University of Chicago Press.
- 14- McCown, D. E; 1957, *The Comparative Stratigraphy of Early Iran*, Chicago University Press.
- 15- Negahban, E. O; 1973, Preliminary Report on the Excavation of Sagzabad, *Marlik*, 1: 1-19.
- 16- Negahban, E. O; 1979, A Brief Report on the Painted Building of Zagheh Late 7th - Early 6th Millennium B.C. *Paléorient*, 5: 2390-50.
- 17- Rice, P. M; 1987, *Pottery Analysis, A Source Book*, The University of Chicago Press/Chicago and London.
- 18- Streily, A. H; 2001, Early pottery Kilns in the Middle East, *Paléorient*, pp. 69-82.

جدول شماره ۱- نمونه های تاریخ گذاری شده توسط خانم مشکور از تپه زاغه (Mashkour et al 1999)

نمونه	سال حفاری	تراشه	طبقه/حلق (cm)	تاریخ (BP)	BC کالیبره (2 sigma)	BC کالیبره (2 sigma)	نمونه مورد آزمایش
Gif 10226	۱۹۷۳	TTFGX	۳۳۵-۳۲۵	۶۰±۶۱۰۰	۴۸۴۹-۵۲۱۲	۴۸۰۰-۵۲۳۰	پستاندار/ گاو
Gif 10343	۱۹۹۴	A8/4	۳۵	۷۰±۵۹۳۰	۴۶۰۷-۴۹۶۳	۴۶۱۰-۵۰۰۰	بزسان
Gif 10344	۱۹۷۳	D IX	۱۱۰-۱۳۰	۷۵±۵۸۸۵	۴۵۶۱-۴۹۶۷	۴۵۴۰-۴۹۴۰	پستاندار
Gif 10345	۱۹۷۰	F IX	عمق ندارد	۵۵±۵۹۰۰	۴۶۱۶-۴۹۱۸	۴۶۱۰-۴۹۲۰	پستاندار/ گاو

جدول شماره ۲- فراوانی (تعداد) سفالهای تپه زاغه سال ۱۳۸۰ در تراشه های مخطف

نوع سفال					جمع کل
نام تراشه	ساده زاغه	منقوش زاغه	نگرگی	چشمه علی	
A	۲۵۳	۲۳۳	۴۷۷	۳۹	۱۰۰۲
D	۳۵۲	۳۱۸	۵۰۱	۴۹	۱۰۸۸
C3	۸۳۳	۳۸۰	۵۶۷	۱۲۱	۱۹۰۱
E	۳۸۲	۱۹۲	۳۳۵	۳۳۵	۱۲۴۴
K	۹۷۸	۴۱۵	۶۵۷	۵۶۸	۲۶۱۸

جدول شماره ۳- توزیع سفالها در تراشه C3

نام تراشه	شماره کاتکتست	سفال ساده زاغه	سفال منقوش زاغه	سفال نوع نگرگی	سفال نوع چشمه علی	جمع کل
C3	0	6	8	13	22	49
C3	1	10	1	5	12	28
C3	2	110	48	80	48	286
C3	3	5	2	1	4	12
C3	4	2	2	1	0	5
C3	5	0	1	0	0	1
C3	6	84	62	48	7	201
C3	9	5	6	8	1	20
C3	10	68	30	37	0	135
C3	12	104	34	33	2	173
C3	13	123	34	99	4	260
C3	14	94	15	15	0	124
C3	15	61	43	93	7	204
C3	17	8	11	14	1	34
C3	19	25	16	23	3	67
C3	20	46	15	42	4	107
C3	21	22	6	30	1	59
C3	22	20	17	7	2	46
C3	23	18	20	8	0	46
C3	24	22	9	10	3	44
جمع کل		833	380	567	121	1901

جدول شماره ۴- توزیع سفالها در تراتشه A

نام تراتشه	شماره کاتکت	سفال ساده زاغه	سفال منقوش زاغه	سفال نوع نگرگی	سفال نوع چشمه علی	جمع کل
A	0	0	14	1	6	21
A	1	33	34	25	3	95
A	2	0	1	0	0	1
A	4	0	1	0	0	1
A	6	1	0	0	0	1
A	7	99	87	161	7	354
A	11	3	11	7	2	23
A	12	0	0	0	0	0
A	14	0	0	0	0	0
A	16	0	1	0	0	1
A	17	0	0	1	0	1
A	20	1	0	0	0	1
A	23	1	0	7	4	12
A	25	3	1	9	0	13
A	26	0	0	1	0	1
A	32	1	2	5	1	9
A	33	0	1	2	0	3
A	34	3	3	6	0	12
A	35	1	1	6	0	8
A	36	15	3	21	0	39
A	37	3	3	4	2	12
A	38	1	3	7	0	11
A	39	1	3	7	0	11
A	40	5	0	0	0	5
A	41	4	2	4	0	10
A	42	9	3	12	0	24
A	43	5	5	25	1	36
A	44	21	12	29	1	63
A	45	1	33	87	4	125
A	46	42	9	50	8	109
جمع کل		253	233	477	39	1002

جدول شماره ۵- توزیع سفالها در تراتشه K

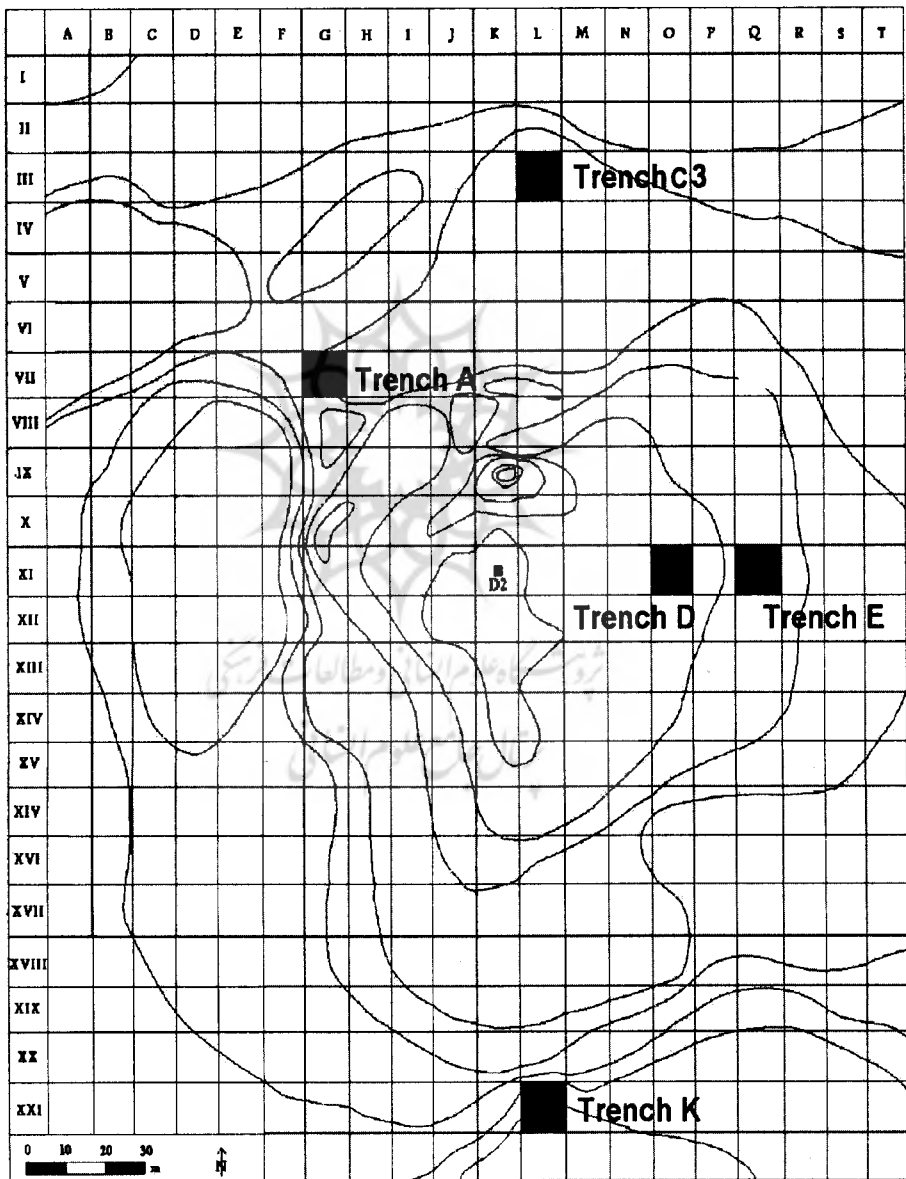
نام تراتشه	شماره کاتکت	سفال ساده زاغه	سفال منقوش زاغه	سفال نوع نگرگی	سفال نوع چشمه علی	جمع کل
K	0	68	24	72	48	212
K	1	668	241	374	476	1759
K	2	1	2	1	0	4
K	3	0	0	1	0	1
K	5	54	10	24	19	107
K	6	14	8	19	0	41
K	8	0	1	64	5	70
K	9	23	16	0	14	53
K	10	2	0	27	0	29
K	12	9	9	0	1	19
K	13	20	11	3	0	34
K	14	15	15	2	0	32
K	15	27	23	13	0	63
K	16	4	4	1	0	9
K	17	0	1	0	0	1
K	18	2	1	0	1	4
K	20	55	37	12	2	106
K	21	16	12	44	1	73
K	26	0	0	0	1	1
جمع کل		978	415	657	568	2618

جدول شماره ۶- توزیع سفالها در تراشه D

نام تراشه	شماره کانتکست	سفال ساده زاغه	سفال منقوش زاغه	سفال نوع تگرگی	سفال نوع چشمه علی	جمع کل
D	0	27	22	48	1	98
D	1	7	30	4	1	42
D	2	3	6	1	0	10
D	3	4	15	0	0	19
D	4	2	8	7	0	17
D	5	54	54	38	5	151
D	7	46	22	36	2	106
D	9	5	6	12	3	26
D	11	44	46	44	5	139
D	13	3	3	6	0	12
D	14	15	24	14	6	59
D	15	90	25	57	18	190
D	22	28	39	58	3	128
D	24	15	12	17	3	47
D	25	7	6	19	0	32
D	26	2	0	8	2	12
جمع کل		352	318	501	49	1088

جدول شماره ۷- توزیع سفالها در تراشه E

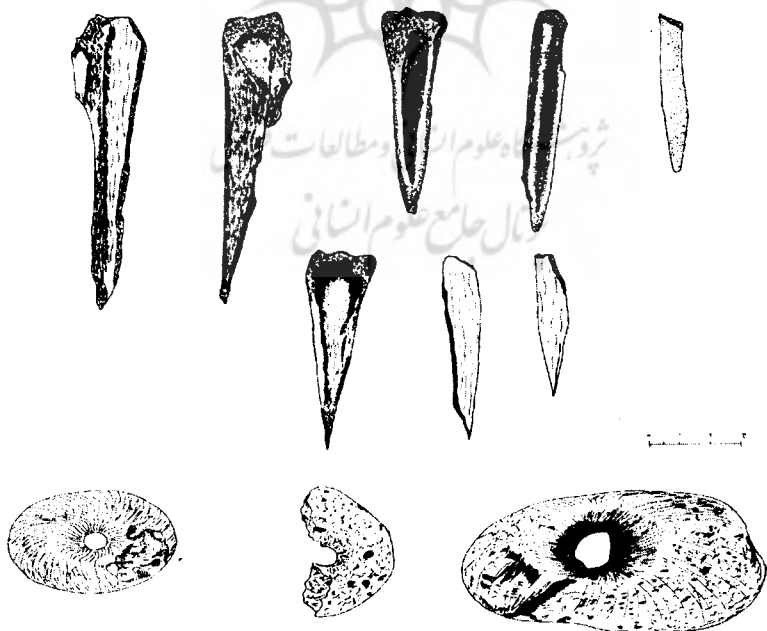
نام تراشه	شماره کانتکست	سفال ساده زاغه	سفال منقوش زاغه	سفال نوع تگرگی	سفال نوع چشمه علی	جمع کل
E	0	10	5	5	10	30
E	1	20	23	18	66	127
E	5	4	2	18	25	49
E	6	15	5	12	18	50
E	7	7	4	9	10	30
E	8	24	7	24	43	98
E	9	5	6	5	21	37
E	10	0	1	0	1	2
E	12	6	6	2	12	26
E	13	18	4	10	14	46
E	14	10	6	6	11	33
E	15	6	6	15	13	40
E	16	15	7	22	24	68
E	17	28	12	31	8	79
E	18	64	21	22	35	142
E	19	75	28	35	16	154
E	20	3	8	14	0	25
E	21	16	8	15	0	39
E	22	14	9	12	0	35
E	23	16	9	11	2	38
E	25	10	0	11	0	21
E	27	16	15	38	6	75
جمع کل		382	192	335	335	1244



تصویر شماره ۲- نقشه توپوگرافی تپه زاغه و محلهای کاوش در سال ۱۳۸۰



تصویر شماره ۷- پیکرک های حیوانی و انسانی مکشوفه از زاغه سال ۱۳۸۰



تصویر شماره ۸- ادوات سنگی و درفش های استخوانی مکشوفه از زاغه سال ۱۳۸۰